





روله کانی نیشتمان

آموزش
تلفیقی



سرشناسه: گروه روله کانی نیشتمان ۱۴۰۴
عنوان و نام پدیدآورنده: روله کانی نیشتمان
مشخصات نشر: کردستان؛ فرهنگیان، ۱۴۰۴
مشخصات ظاهری: تعداد صفحات، مصور یا ...
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۰۰-۰۰۰-۰۰۰۰۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: تربیت_کودک_تلفیق
شناسه افزوده: استاد زاهد فرجی
رده بندی کنگره: آموزش تلفیقی_فعالیت های بین رشته ای
رده بندی دیویی: گروه سنی ب-ج
شماره کتابشناسی ملی:

پدیدآورندگان: انداز مهران_ذکریایی دیاکو

حسینی راستین_کامران وانیار

ناشر: فرهنگیان

همکاران: جمعی از فرهنگیان

طراحی قالب صفحات: تیم روله کانی نیشتمان

مدیر هنری: مهران انداز

طراح جلد: تیم روله کانی نیشتمان

تصویرگر: تیم روله کانی نیشتمان

صفحه آرای: تیم روله کانی نیشتمان

نوبت چاپ: آخر پاییز ۱۴۰۴

شمارگان: ۱

کلیه حقوق مادی و معنوی برای نشر آنلاین محفوظ است
و هرگونه سوء استفاده و فروش به غیر پیگرد قانونی دارد.

Logo

فرهنگیان

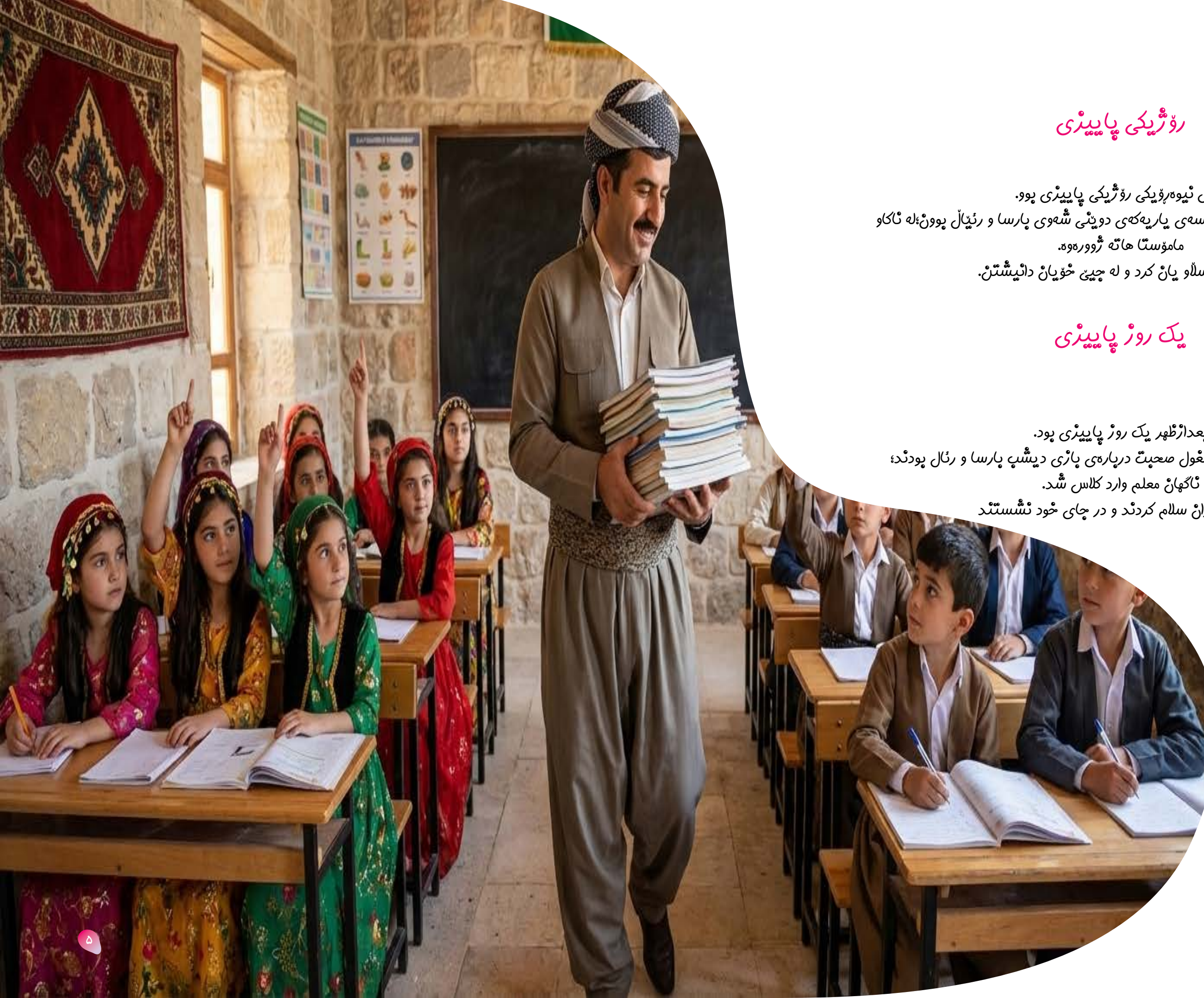


روژیکى پایینی

پاش نیوه‌رۆیکى روژیکى پایینی پوو.
قوتاییان له پۆل خەریکی قسەى یاریه‌کەى دوینی شەوی پارسا و رنیال پوون؛ له ئاکو
مامۆستا هاته ژووهرهوه.
قوتاییان سلاو یان کرد و له چیهى مۆیان دانیشتن.

یک روز پایینی

بعد از ظهر یک روز پایینی بود.
دانش آموزان در کلاس مشغول صحبت درباره‌ی بازی دیشب پارسا و رنال بودند؛
ناگهان معلم وارد کلاس شد.
دانش آموزان سلام کردند و در جای خود نشستند.





وشه نامه



هيوا له پهرې پوله كوو تې: ماموستا ئىچاره!

ماموستا: فەرموو رۆله كم.

هيوا: ماموستا دوپنى شهو له ئه خبار، موچريكه وشه يكي به كار
برد كه مانا كه نازانم، ده پى چه بكم؟

ماموستا وه رامي داووه زهنگى داهاتوو پيټ ئه ليم.

زهنگى داهاتوو ماموستا كه هاته پۆل چه ندانه يك كتيپى
گوره ي پى پوو؛ مندا لان متيان ماموستا نه مانه چيپين؟

ماموستا ولامى داووه: كوره كان بهم كتيپانه ده لپن (فرهنگ
لغت) هه ر كات واتاي وشه يك نه زانين ده توانين لهم كتيپان
واتا كه يان پهيدا بكه ين.

ناميار كووتى نه پو وشه كورده يكان دپى چ بكه ين؟

هيوا ده ستى هه ل هينا كووتى: ماموستا من ولام بده مه وه؟
ماموستا ش وتى فەرموو.



هیوا از پشت نیمکت کلاس گفت: «استاد، اجازه!»
استاد گفت: «بفرما پسرم.»

هیوا گفت:

«استاد، دیشب در اخبار، گوینده‌ای واژه‌ای به کار برد که
معنایش را نمی‌دانم، باید چه کار کنم؟»
استاد پاسخ داد:

«زنک بعدی به تو می‌گویم.»

در زنک بعدی، وقتی استاد وارد کلاس شد، چند کتاب
بزرگ همراهش بود.

بچه‌ها پرسیدند:

«استاد، این‌ها چی هستند؟»

استاد جواب داد:

«بچه‌ها، به این کتاب‌ها می‌گویند فرهنگ لغت. هر وقت معنی
واژه‌ای را ندانستیم، می‌توانیم از این کتاب‌ها معنایش را

پیدا کنیم.»

امیار گفت:

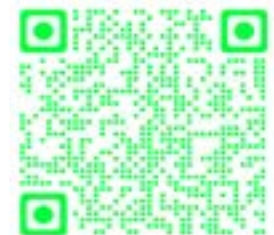
«پس برای واژه‌های کردی چه کار کنیم؟»

هیوا دستش را بالا برد و گفت:

«استاد، اجازه هست من جواب بدهم؟»

استاد هم گفت:

«بفرما.»





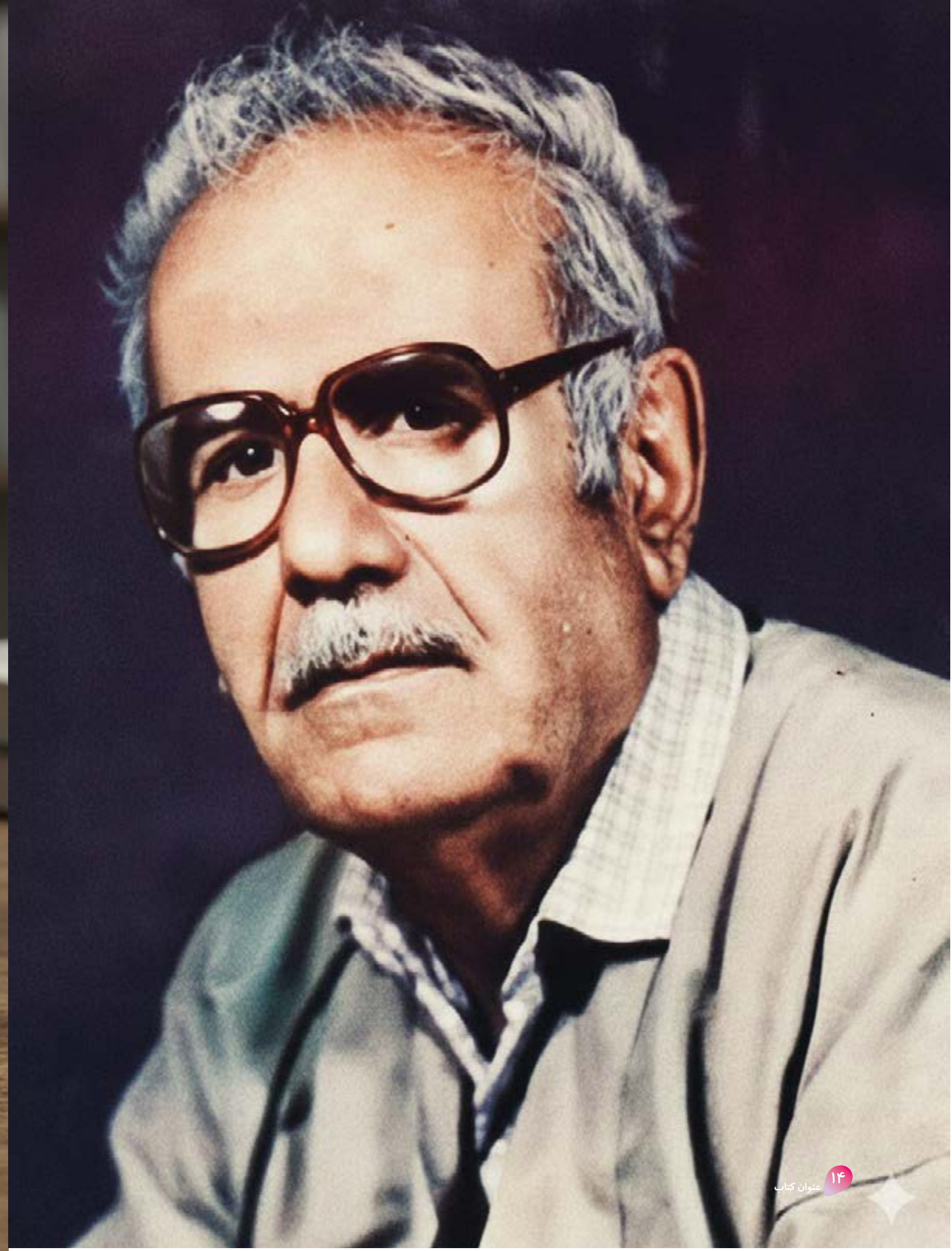
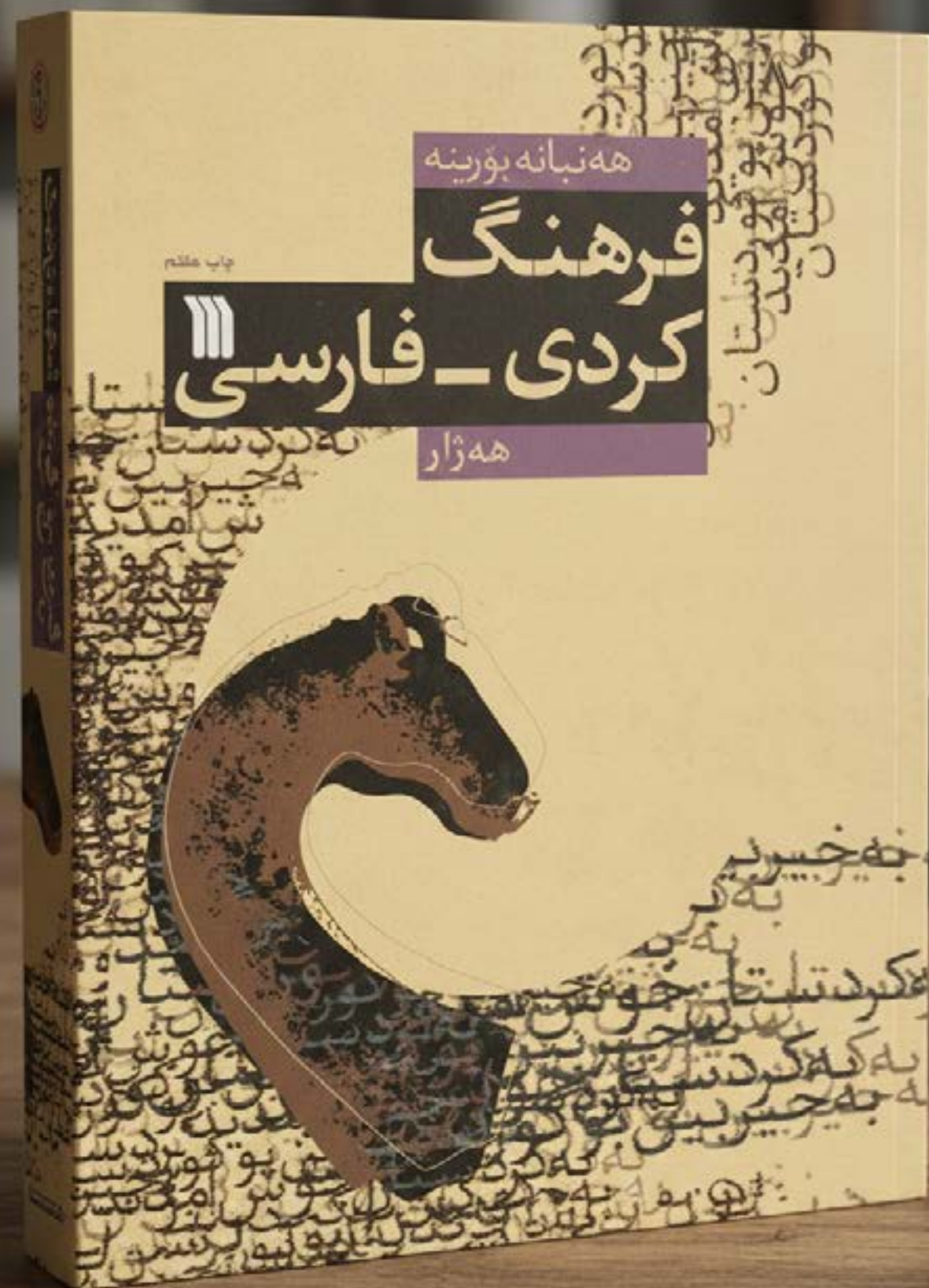
ماموستا هژار

هيو! دۆستان؛ ههركات مانای وشه يکی کوردی تان
نه زانی ده توانن له (هه نپاره پۆرينه) ی ماموستا (هه ژار)
که لک وه رگرن. کتیییکه که واتای هه موو وشه کوردیکانی
تیدا. نامیار ووتی: سپاس هيو! من پيشتر نیوی
ماموستا هه ژارم پیستپوو. شاعیر و نووسهریکی
کوردی شاری مه هپاده؛ ماموستا هه ژار پۆ یه کهم چار
کتیپی (قانون در طب) ی نه پوو عه لی سینای له زمانی
عه ره پیوه وه رگیداوه تهو پۆ زمانی فارسی؛ ههروهه
قورنانی پیرۆزیشی پۆ زمانی کوردی هه لگیداوه تهوه

قوتاییان هه موو زۆریان پێ خۆش پوو که له زمانی
هاورپییکی خۆیان سه پاره ت به ماموستا هه ژار زانیاری
یان به دهس هیئا

ماموستا هژار

هيو! گفتم: دوستان؛ هر وقت معنی واژه ای کردی
را ندانستید، می توانید از «هه نپه راپۆرينه» ی استاد
«هه ژار» استفاده کنید. کتابی است که معنی همه
واژه های کردی در آن آمده است
نامیار گفتم: ممنون هيو! من قبلا نام استاد هه ژار
را شنیده بودم. او شاعر و نویسنده ای کرد از شهر
مه پاد است؛ استاد هه ژار برای نخستین بار کتاب
«قانون در طب» اثر ابوعلی سینا را از زبان عربی به
زبان فارسی ترجمه کرده است؛ همچنين قرآن کریم
را نیز به زبان کردی ترجمه کرده است
دانش آموزان همگی بسیار خوشحال شدند که به زبان
مادری خودشان اطلاعاتی درباره ی استاد
هه ژار به دست آوردند





لباس و پوشاک

جل و به رگ

معلم که کتاب هه‌نپاره پۆرینه را در دست داشت روی میز گذاشت و دانش آموزان نگاه میکردند

آژو داخل کتاب دنیال معنی اسم خود بود که پوششش و لباس را دید گفت میشه فردا درباره شیوه پوششش و لباس برای بچه ها صحبت کنم؟

معلم : حتما

روز آینده آژو با چند پلاستیک در دست وارد کلاس شد و رفت پیش معلم و محتویات داخل پلاستیک را رو کرد

دانش آموزان همه شگفت زده شده بودند و یکصدا گفتند این چیزهای رنگارنگ چیست ؟

ماموستا که کتیبی هه‌نپاره پۆرینه‌ی پی پوو له‌سه‌ر میزه‌کی داینا و مندالان سه‌یریان کرد.

ناژۆ له‌نیو کتیبه‌که په‌ دوا‌ی مانای نیوی مۆی ده‌گه‌را که چاوی به‌ چل و به‌رگ کهوت

گوته‌ی ماموستا ده‌که‌ری سه‌به‌ینی سه‌پاره‌ت به‌ شیوانزی چل و به‌رگ پۆ منداله‌کان قسه‌ پکه‌م؟

ماموستاش گوته‌ی به‌ دلنیا یه‌وه.

پۆ رۆژی داهاتوو ناژۆ که‌ هاته‌ نیو پۆل چه‌ند دلغی‌کی پی پوو؛ یه‌کسه‌ر به‌ره‌و لای ماموستا رۆیشت و نه‌و شتانه‌ نیو دلغه‌کان پو ده‌ری هیئا منداله‌کان هه‌موویان سه‌رنجیان پۆ نه‌و شتانه‌ را‌کی‌ش‌راپوو؛ به‌یه‌ک ده‌نگ گوتیان؛ ناژۆ نه‌م شته‌ ره‌نگاره‌نگه‌ جوانانه‌ چین؟



آژو از معلم اجازه گرفت و شروع کرد صحبت کردن
دوستان امروز در مورد پوشش و لباس اصیل کوردی بحث
میکنم لباس کوردی ایناییه که من آوردم نه اونایی که تو
مجازی میپینن به این کلاه ها میکن (کلاو زهر) که زن ها
استفاده میکردن این گردنبندها هم که میپینید از میخک
درست شده که پوی خیلی خوبی داره

به این هم میکن (کولوانه) که زن ها استفاده میکردن
این هم لباس مردانه (کهواو پانتول) که میپوشند کفش
مخصوص منطقه های کوردی که بهش میکن (کلاش) این
پارچه های سفید هم (فقیانه ن) که دور دست میپینند و
برای جلوگیری از سرماست

(فهرهنجی) که رو شانه ها استفاده میکنن

نارژو له ماموستا ئیزنی گرت و دهستی کرد به قسه کردن:
دوستان نه مرو سه پارهت به چل و بهرگی ره سه نی کوردی
قسه تان پو نه کهم؛ چلی کوردی نه مانه یه که من هیناومه ته
نه گرانه که نهو شتانه ی له سو شال میدیا کان ده پینن. نه
کلاوانه پی یان ده لین (کلاو زهر) که ژنان له سهریان ده کرد.
نهو ملوانکesh که ده پینن له میخک دروست کراوه که پونی
زور خوشه.

نهمش پیی ده لین (کولوانه) که ژنان له کول یان ده کرد.

نهمش چلی پیاوانه یه کهواو و پانتول که له بهری
ده کن؛ پیلای تایه تی ناوچه کورده واریه کان کی پیی
ده لین (کلاش). نهو شته سپانهش (فقیانه ن) که له دهوری
دهستی ده پینن و (پوزهوانه) که له دهوری قاچی ده پینن، پو
بهرگیری کردن له سه رمایه.

(فهرهنجی) یش که له شانی ده کن.





مندالہ کان ھموویان زور به
جوانی گوی یان پو ناژو گر تپوو. له
ناکاږ یونا پرسى ماموستا هم چلان
که رهنگی جوان یان هه یه؛چون رهنگ
یان دهکن؟

ماموستا گوتی: کوری خوم؛ رهنگ
کردنی چله کان هه له دهگریتهوه
پو ژانستی کیمیا. به یارمه تی
هم ژانسته له کاره کان پارچه کان
به رهنگه چورواوچوره جوانه کان
دهردهینن. که له پیرتان پی
له دهرسی (علوم) سه پاره ت به
گوانکاری کیمیا پی و فیزیکی
دهرسمان خویند؛ ژانستی کیمیا
له ناوه ها شوینیکا یارمه تی مان
دهد. یونا دواى قسه کان ماموستا
دهستی هه له هیئا و گوتی: ماموستا
من که سایه تیکی به ناوپانگی کورد له
پواری کیمیا دهئاسم

ماموستا گوتی: ناده ی کوری خوم به نیمه یشی پناسینه.

یونا دهستی کرد به قسه کردن؛ دوستان هروه ها که ده ژانن من خه لکی شاری بانهم؛ له شاره که ی نیمه
پروفیسور یک مان هه یه به نیوی (عبدالله سلیمی) که له پواری کیمیا له هه موو چیهان به نیوپانگه. له سالی
۱۳۶۱ له شاری پانه له دایک پوون. له سالی ۱۳۶۹ رښتنه ژانکو و له سالی ۱۳۷۷ پوون به ماموستای ژانکو
کوردستان. پروفیسور سلیمی له نیوی یه که له سعد لیکو له رانی به ناوپانگی چیهان. مندالہ کان هه موویان دهست
یان کرد به چه پله لی دان پو یونا و ماموستا ش گوتی نافهرم کوری من.

دواى ته و او پونی قسه کان یونا؛ نامیار گوتی ماموستا منیش سبه یینی سه پاره ت به پروفیسوریکى تری
کورد قسه تان پو دهکم.

بچه ها همه قشنگ به آژو گوش داده بودند
که ناگهان یونا پرسید این لباس ها با این
رنگهای زیبا چگونه رنگ می‌شن؟

معلم گفت پسر من رنگ کردن لباس
ها پرمیگردد به علم شیمی و به کمک
این علم در کارگاه پارچه ها رو به
رنگ های مختلف درست میکنند

اگه به یاد داشته باشید در درس
علوم درمورد تغییرات شیمیای و
فیزیکی درس خوندم

علم شیمی در چنین جاهایی به ما
کمک میکنه یونا بعد از صحبت های معلم
اجازه گرفت و گفت من شخصیتی مشهور کورد
در زمینه شیمی می‌شناسم

معلم گفت: « بفرما پسر من معرفی کن

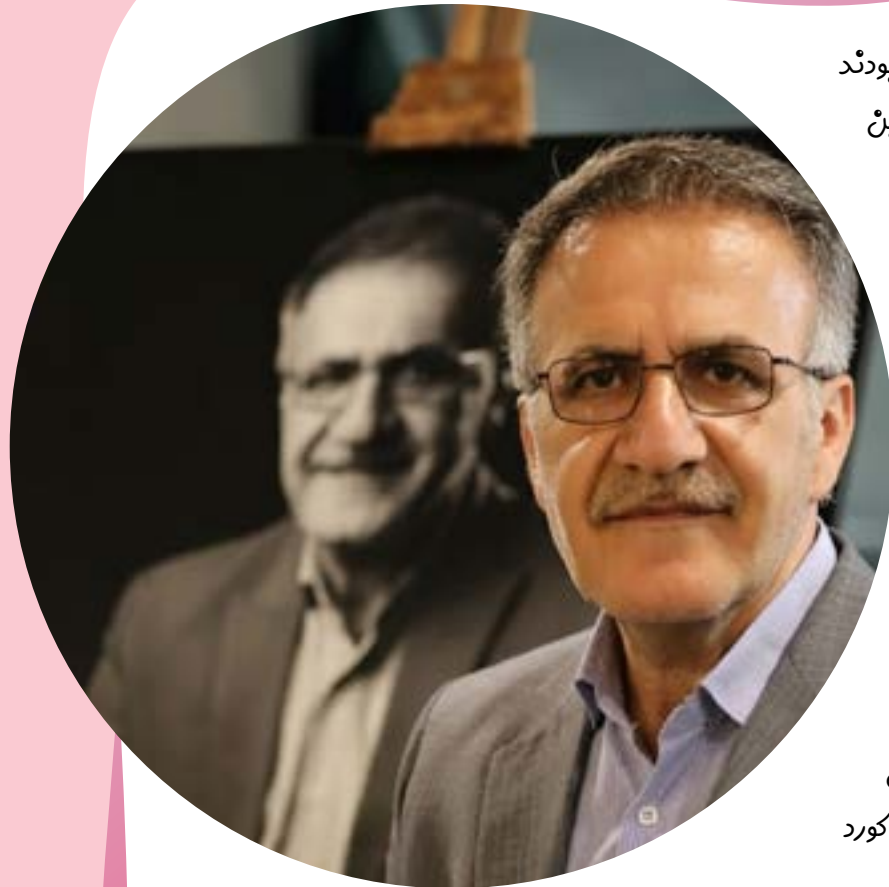
یونا شروع کرد به صحبت کردن: دوستان همانطور که میدونید من اهل
شهر پانه ام در شهر ما پروفیسوری به اسم (عبدالله سلیمی) است
که در زمینه شیمی در تمام دنیا مشهوره

در سال ۱۳۶۱ در شهر پانه متولد شد در سال ۱۳۶۹ دانشگاه
رفت و در سال ۱۳۷۷ استاد دانشگاه کوردستان شد پروفیسور
سلیمی جزو یک تا صد پژوهشگران مشهور دنیا ست

بچه ها همه یونا رو تشویق کردند و معلم گفت آفرین پسر من

بعد از اتمام صحبت های یونا آمیار گفت: « من هم فردا در مورد

پروفیسور دیگه کورد صحبت میکنم





فردای آن روز بچہ ہا پا چوش و خروش پیشتر
از قیل پہ سوی مدرسه رفتند، همه منتظر رنگ
ورزش بودند کہ بہ حیاط پروند و فوتبال
پازی کنند اما باران شدیدی میبارید،
معلم گفت: بچہ ہا امروز بہ جای ورزش
باید درس ریاضی بخوانیم.

بچہ ہا یک صدا فریاد زدند نہ
اموزگار ریاضی رو دوست نداریم،
خیلی سخته! آمیبار گفت: بچہ ہا
چرا این حرفو میزنید؟

اصلا اونچوری نیست، ریاضی
درس خیلی جذاب و مهمی هست و
من میخوام دربارہ ریاضیدان کورد
برایتان بگویم.

بچہ ہا همه باهم گفتند چی؟

مگر ریاضیدان کورد ہم داریم؟

آمیبار گفت: بلہ پروفیسور کوچر پیرکار کہ اهل
شهرستان مریوان هست.

معلم گفت: آفرین درمورد این نابغہ پیشتر برایمان توضیح بده.

آمیبار گفت: چشم آموزگار

پروفیسور کوچر پیرکار در سال ۵۶ در روستا نی شهرستان مریوان
پہ دنیا امده و در همان مدرسه روستای نی بہ مشغول تحصیل
شد و پا توجہ بہ امکانات محروم روستا توانست در سال
۸۰ (۲۰ پرندہ چاپترہ فیلدر شود...

معلم حرف های آمیبار را ادامه داد و گفت: بچہ ہا اگر ما
بخوایم در آیندہ موفق شویم و بہ مردم و میهنمان خدمت
کنیم باید برای آن هدف والا خیلی تلاش کرد. همه ی آن
پروفیسور ہا کہ دوستتان در موردشون حرف زد در همان سن
نوجوانی مشغول درس خواندن و تلاش کردن بودند تا توانستند
در آیندہ آدمی موفق و مشہور برای خدمت بہ جامعہ خود و حتی
جامعہ جهانی باشند.

معلم گفت: بچہ ہا برای ہفتہ آیندہ در مورد شخصیت های مشہور و موفق کورد پیشتر تحقیق کنید و
در کلاس ارائه دهید.



روژی داهاتوو مندالان پہ چوش و خروشیک زياتر له چاران پەرہ مکتەب هاتن؛ هەموویان چاوەروانی
زەنگی وەرژش پوون کہ پڕۆن یاری تۆپێ پێ پکەن؛ بەلام پارانیکی پەلێزمە دەباری؛ مامۆستا کوتی: رۆلەکانم
نەورۆ لە پاتی وەرژش دەپێ کتێپی پیرکاری بخۆینین.

مندالەکان پە یە کجاری کوتیان نا مامۆستا، حەزمان لە پیرکاری نییە؛ هیچ خۆش نییە، زۆریش نەستەمە.

نامیار کوتی: ئەهێ دۆستان پۆ وادەلێن؟

هیچیش وانیه، دەرسیکی زۆر خۆش و گرێنگە؛ ئێنجا من ئەم هەوی سەپارەت پە پڕۆفیسوریکی کوردی
زانست پیرکاری قسەتان پۆ کەم.

مندالان پە یە کجاری کوتیان ها؟!

پۆ مەگەر کەسیکی وامان هە یە؟

نامیار کوتی بەلێ، پڕۆفیسۆر کۆچەر پیرکار کہ خەلکی شاری مەریوان

مامۆستا کوتی ئافەرەم نامیار، سەپارەت پەم پلیمە تە زۆر تر قسەمان پۆ پکە

نامیار کوتی پەچاوان مامۆستا گیان؛ پڕۆفیسۆر کۆچەر پیرکار لە سالێ ۵۶ لە ناوایی نی شاری مەریوان
لەدایک پوو. هەر لە قوتابخانەکانی ناوایی نی و شاری مەریوانی دەرسی دەخویند. لە سالێ ۸۰ (۲۰ ییش پراوەی
خەلاتی فیلدر پوو

مامۆستا قسەکانی نامیاری درپێژە دا و گووتی: رۆلەکان سەیر کەن، گەر ئیمە پمان هەوینت لە داهاتوو دا
سەرکەوتوو پین و بە خەلکی خرمەت پکەین دەپێ زۆر سەعی پکەین. هەموو ئەو پڕۆفیسۆرانە ی کہ دۆستان
تان نیو یان هیئان هەر لە تەمەنی مندالیەو خەریکی خویندن پوون کہ توانیویانە لە داهاتوو کەسایەتیکی
بەنرخ پۆ کۆمەلگای خۆیان و هەموو چیپان بن.



خوایه وه ته ن ناوا که ی
 چهند دلگیر و شیرینه
 ده شتی خوش و ره نگی نه
 ناوی کهوسهره، خاکی کهوههره
 پر له گول و نه سرینه
 سه پیرانگای په هارانی
 سه وره گیای نهرم و جوانی
 سهد دل ده پی حه پیرانی
 ناوی کهوسهره، خاکی کهوههره
 پر له گول و نه سرینه
 شاخی په فرین و په رزه
 یو راپردوومان ره مره
 چیمه نی جوان و سه وره
 ناوی کهوسهره، خاکی کهوههره
 پر له گول و نه سرینه

نهم شوینه شوینی کورده
 چپی قاره مان و مهرده
 لاهی شیرینی نه پهرده
 ناوی کهوسهره، خاکی کهوههره
 پر له گول و نه سرینه
 وه ته ن چاوی لیمانه
 دهری کین له ته نگانه
 حه یقه پیته و پیرانه
 ناوی کهوسهره، خاکی کهوههره
 پر له گول و نه سرینه